



گورهای جمعی پیدا و نهان در سراسر کشور، سند دادخواهی آمران و عاملان اعدام ها و کشتار دو تابستان ۶۰ و ۶۷

amirjavaheri@yahoo.com

امیرجواهری لنگرودی

تابستان ۱۳۸۵

۰۰۰ در بارش تگرگ

آنان که جانان را

از نور و شور و پویش و رویش سرشته اند!

تاریخ سر فراز شمایان به هر بهار

در گردش طبیعت تکرار می شود ،

زیرا که سرگذشت شما را ،

به کوه و دشت

« بر برگ گل ، به خون شقایق ، نوشته اند »

« محمد رضا شفیعی کدکنی »

در ایران قرار است خانواده های اعدامیان، روز جمعه ده شهریور بار دیگر در خاوران اجتماع کنند و یاد یاران گلخون را گرامی بدارند.

خبر این اجتماع امثال پرشورتر و پرسر و صداتر از سالهای پیش بگوش رسیده است . گل بوته های خشک و بی آب و علف خاوران، هر سال در دونوبت - نوروز و ده شهریور- ویا در زاد روز هریک تن از خاک خفتگان اعدام های خونین ، گلباران می گردد.

گلزار خاوران و گورستان های جمعی اعدامیان که حزب الله « لعنت آباد » و « پرت آباد » ش می

خوانند . خاطره زندگی بخش همه خفتگان در خاک ، در هر بهار و تابستان، راه و معبر بی پیر خود را

بر هزاران هزار تن از همسران و فرزندان ، خواهران و برادران ، مادران و پدران دلسوخته و آزادیخواهان بیدار دل می گشاید تا خشم خود را بر فرق مرگ آفرینان ضد تاریخ و عاملین این جنایات بکوبند.



کینه وجودی هر خاک خفته « پرت آباد » و « لعنت آباد » ی چه سنگینی می کند بر دل بیدادگران زمان و چه جان مایه نشاط آوری از هستی زندگی بر دل‌های یکایک خانواده ها می افشاند وقتی بر سر خاکی گرد می آیند. بی آنکه بدانند جان مایه زندگی شان در کدامین تکه از این خاک آرمیده اند. چرا که شب پرستان مرگ آفرین ، این جان های هستی سوز را دزدانه و شبانه بر خاکشان سپردند تا جبن و جنون خود را ببوشانند و فتوای امام مرگ را از دیده ها پوشیده بدارند.



همین بی خبری خانواده ها از تعلق هر قطعه به عزیز خود، آنان را به رقص میدانشان می کشاند. وقتی در خاوران بر گرد کور جمعی حلقه میزنند. پای کویان و سرود خوانان هر یک به نجوا می نشینند تا اندرون خویش را از خشم و نفرت حاکمان خالی گردانند.

انگار هر یک از حاضران در آن ساعات تجمع شان « رقص میدانشان آرزوست » و چه جانی دارد سرود و ترانه خوانی : « دایه دایه و قته جنگه / چشیمه و اکنین آفتو قشنگه / ... برارام خیلین سیصد هزارن / سی تقاص خین مه سرور میانر... » ترانه و سرودی که تیرباران هوشنگ تره گل- همایون کتیرایی و ناصر کریمی را برابر چشمان مان می نهد. چه جانی دارد سرود آفتابکاران جنگل « سر او مد زمستون / شکفته بهارون / گل سرخ خورشید باز او مد و شب شد گریزون / کوه ها لاله زارن، لاله ها بیدارند / تو کوه ها دارن گل گل آفتابو می کارن... » و ضربآهنگ عارف قزوینی با صدای قمرالمکوک و زیری ، هر

مادری را با لالایی دلآویز شبان و روزان خود با کوری همساز می کند: «... از ابر کرم خطه ی ری
 رشک و ختن شد/ دل تتگ و چو من مرغ قفس بهر وطن شد/ چه کج رفتاری ای چرخ/ چه بد کرداری ای
 چرخ/ سر کین داری ای چرخ/ نه دین داری نه آئین داری ای چرخ/ خواری ای چرخ...» و چه مستانه می
 نماید ناله مرغ سحر: «مرغ سحر ناله کم کن، داغ مرا تازه تر کن/ ز آه شرربار این قفس را/ برشکن
 وزیر وز بر کن.../ و ز نفسی عرصه ی این خاک توده را/ پر شرر کن، پر شرر کن.../ راستی و مهر و محبت
 فسانه شد/ قول و شرافت همه ی گی از میانه شد/ از پی دزدی وطن، دین بهانه شد/ دیده تر کن...» و
 نجوای مادران و همسران با ترانه خوانی مرا ببوس، صحنه این دیدار مستانه را به تجمعی دیگر نوید می
 دهد: «... در میان توفان، هم پیمان با قایقران ها/ گذشته از جان باید بگذشت از توفان ها/ به نیمه شب ها
 دارم با یارم پیمان ها/ که بر فروزم آتش ها در کوهستان ها/.../ به راه دیگر اکنون باید سر بسپارم/ ز
 صبح روشن باید از آن دل بردارم/ که عهد خونین با صبحی روشن تر دارم/.../ دختر زیبا امشب بر تو
 مهمانم، در پیش تو میمانم/ تا لب بگذاری بر لب من... روشن سازد یک امشب من...»



ترانه های ممنوعه با کلماتی ممنوعه در جنون خاورانی هم سر ممنوعه و در تجمعی ممنوعه، توفنده از
 گلوی هر جوان دختر و پسر، فرزند پدر و مادر از دست داده و همسر، مادر و پدیری، در خاوران بدل به
 فریادی می گردد تا خشم فروخته خویش را نثار جانینان کشتار خونین خیابان ها و زندان ها کنند.
 امروز سالیان چندی از سپری شدن تابستان های خونین ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ و نکبت این حاکمیت بیست و هفت
 ساله می گذرد، سالیانی که از جانب خانواده ها و بستگان بیشماری که فرزندان شان جان و هستی خویش
 را بر سر پیمان و وفاداری به آرمان خواهی های خود و نهادند، اطلاعات زیادی به میان مردم درز کرده
 است. از جمله اینکه: تنظیم هر دفتر خاطراتی، مستندترین سند افشاگر نظامی ایست که شاهدان عینی،
 همه جنایات آفریده شده را بر ملا می سازند و پیدایی گورهای جمعی و تک گورها نیز، نشان از بیداد تمامی
 کشتار و قتل و اعدامی ایست که از فردای روی کار آمدن این نظام، به فرمان نایب برحق امام
 زمان (خمینی)، آنگاه که بر اریکه قدرت پهلو زد، در پشت بام مدرسه محل سکونت اش در تهران، خلخالی

رابه وکالت تام خویش برگزید تا احکام پشت احکام صادر کند و محکومین در میان سکوت بهت انگیز تمامیت جامعه آنروزی ما و سکوت دولتهای جهانی، بدست گروهی از پاسدارن جان ستان یکی پس از دیگری تیرباران گشتند تا آنان را با نام و بی نام در محلی به خاک سپارند و پس آنگاه جولان خلخالی در جنوب ایران و خیزش اعراب ساکن (اهواز) و ترکمن صحرا - کردستان ، کشتاری خونین به جا گذاشت

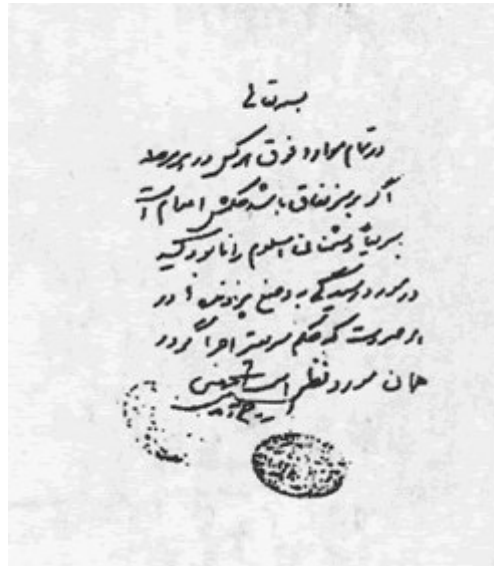


که امروز تا حد زیادی با تلاش و پیگیری خانواده های اعدامیان و کسان آنان این جایگاه ها شناسایی شدند و هر یک از این مکانها به نشان یک جنایت ، دردرون دلها نام و نشان خود را به جای نهاده اند و نشان هرگوری خود از مصادیق اسناد « جنایت علیه بشریت» توسط آمران و عاملان ، سرکردگان این نظام محسوب می گردد.

جدا از خاوران تهران بزرگ در بخش وسیعی از استانها ، شهرستان ها و روستاهای ایران « لعنت آباد» ها و بزبان دیگر « پرت آباد » های با نشان و بی نشان بیشماری تا به امروز شناسایی شده است . دهها و صد ها گورستان علنی و مخفی پوشیده از دلاور دختران ، پسران ، زنان و مردان ایران را دربرمی گیرد. سرکوب گران نظام اسلامی هر یک از آن ، انسان های باورمند را با اتهامات و جرم های ناکرده و بی پایه در برابر مقاومت اندیشه گی شان با انتساب به آن سازمان و این حزب ، گروه و دسته خاصی از جمله :
 سلطنت طلب و شاهی - فرقان - آرمان مستضعفین - مجاهد خلق - امتی - هوادار شریعتی - فدائی - اقلیتی - چریک فدائی - راه کارگری - پیکاری - رنجبری - سازمان انقلابی - کنفدراسیونی - کومله ای - کرد دمکراتی - وحدت کمونیستی - رزمنده گانی - سهندی - سربداران (آملی) - اکثریتی - ۱۶ آذری - توده ای - بهائی - کرد - ترکمن - بلوچ - عرب و آذری - ملی گرا - تجزیه طلب - آمریکایی - تروریست - فراری و طرفدار اجنبی و...) به مرگ کشانده و به گورهای دسته جمعی سپرده اند .
 از جمله این گورستان ها می توان از : گورستان های خاوران تهران بزرگ - مشهد - اهواز - تبریز - شیراز - اصفهان - گناوه - کرمانشاه - گیلان (رشت ، انزلی ، فومن ، لاهیجان ، سیاهکل ، لنگرود ، رودسر) - زاهدان - مازندران (گرگان ، چالوس ، آمل ، شهسوار) - همدان - ایلام - ارومیه - گچساران - اراک و... در جای جای ایران نام برد .
 (* تهران بزرگ : « لعنت آباد» جاده خاوران پشت گورستان ارمنه و جنب گورستان بهائی ها، در بهشت زهرا قطعه ۹۳ و برخی نقاط دیگر .



- (* شهر مشهد : « لعنت آباد » بعد از هاشم آباد جاده اصغریه و برخی نقاط پرت گورستان قدیم .
 (* شهر اهواز : در چندین محل از جمله : جاده کوت عبدالله نزدیک گورستان بهشت آباد . بزرگراه سوسنگرد- پشت روستای آفاق نزدیک گورستان جهادو...
 (* شهر تبریز : گورستان پشت جاده قدیم تبریز ، خیابان راه آهن گورستان وادی رحمت
 (* شهر شیراز : در گورستان قدیم ، قطعه ۳۸ دارا لرحمان و میدان تیر « چوگیا » شیراز محل تیر باران کردن محکومین به اعدام .
 (* شهر اصفهان : قطعات ۴۱ - ۹ - ۸ - ۷ - ۵ - و... در ته باغ رضوان .
 (* باغ کاشفی اصفهان .
 (* قبرستون تخت پولاد اصفهان (قبرستون کافرا) ، باز داشتگاه سید علی خان واقع در کمال اسماعیل اصفهان و کشتار گاه آنجا...
 (* قبرستون دور افتاده بالای قبرتستون ارمنه اصفهان
 (* تاغهای دهکده ای به نام قدریجان در نجف آباد اصفهان
 (* شهر گناوه : در قبرستان قدیم نزدیک امامزاده...
 (* شهر کرمانشاه : باغ فردوس ، جاده سیلو نزدیک قبرستان کودکان .
 (* استان گیلان (شهر رشت : گورستان قدیمی رشت در جاده رشت به لاهیجان در گوشه پرت افتاده ای از قبرستان تاز آباد) ودر (شهرستان لاهیجان : گورستان قدیمی سید مرتضی ، کاشف غربی منطقه کاروانسرای و چند محل دیگر...) ودر (شهرستان لنگرود : گورستان - وادی - شهر ، قسمت انتهایی ضلع غربی ، پشت غسلخانه معروف به مشهدی اسماعیل باغ و گورستانهای اطراف چمخاله و روستای چاف ...) و (شهر رودسر : در قبرستان قدیم در منطقه پرت آن به خاک سپرده شدند .)
 (* شهر زاهدان : جاده بهشت مصطفی گورستان زاهدان خیابان گاراژ .
 (* استان مازندران (شهرگران : گورستان بهائیان و راه جویاری بهشت زهرا) و (شهر آمل : موازی استادیوم آمل ، خیابان طالب آملی) و (شهرستان شهسوار : قبرستان قدیمی شهر و در منطقه پرت) به خاک سپرده اند .
 (* شهر همدان : در جاده ملایر گورستان باغ بهشت زهرا .
 (* شهر ایلام : امامزاده صالح آباد ، دست چپ روی تپه .
 (* شهر ارومیه : رویروی ساختمان صدا و سیما ، بلوار رادیو و تلویزیون قبرستان شهر .
 (* شهر گچساران : گورستان بهائیان .
 (* شهر اراک : اتوبان اراک _ بجنورد در ۶ کیلومتری اراک .
 همه بخاک افتاده گان این قتلعام ها با فتوا و دستور شخص خمینی



و تشکیل « کمسیون مرگ » که از جانب ایشان ، مامور این قتل عام ها شدند ، صورت پذیرفت . در این میان : « هیات تهران ، که از شانزده نفر تشکیل می شد ، شامل نمایندگانی از سوی شخص امام ، رییس جمهوری ، دادستانی کل ، دادگاه انقلاب ، وزارتخانه دادگستری ، اطلاعات و مدیریت زندان اوین و گوهر دشت بودند . سرپرستی هیات بر عهده آیت الله اشراقی گذارده شده بود که دو دستیار ویژه داشت ، حجت الله نیری و حجت الاسلام مبشری در پنج ماه بعدی این هیات توسط بالگرد از اوین به گوهر

دشت در رفت و آمد بود . نام این هیات را « هیات مرگ » گذارده بودند « (یرواند آبراهامیان ، اعترافات شکنجه شدگان زندان ها و ابراز ندامت های علنی در ایران نوین ، ترجمه : رضا شریفها ، نشر باران ، صفحات ۳۲۹ و ۳۲۸)

امسال در کنار زنجیره وسیع و گسترده برپایی یادمان های سراسری در جای جای جهان که با «**فراخوان مشترک شخصیت ها، انجمن ها و تشکل های دمکراتیک در باره یادمان کشتار سراسری زندانیان سیاسی ایران...***» همگان را به مبارزه علیه به زنجیر کشیدن انسان ها به خاطر عقایدشان و شکنجه و کشتار دگراندیشان ، به تحرکی سراسری فراخوانده اند . این حرکت تا به امروز پاسخ مثبت بخش وسیعی از اشخاص ، نهاد ها و انجمن های فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی را دریافته است . درچنین شرایطی بار دیگر در تابستانی دیگر ، خانواده های اعدامیان در میان انبوه ایرانیان آزادیخواه و هم سرنوشت در روز جمعه ده شهریور ۱۳۸۵ در خاوران تهران و دیگر مکانها جمع می شوند تا یاد بخون افتاده گان آرمانخواه خویش را گرامی دارند و به تمامیت نظام جمهوری اسلامی ایران سرود خوانان نه گویند . فریادشان افزون باد!!

http://dialogt.org/marasem67_2007/bayaniieh_moshtarak.html